

اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی

سال هشتم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ (ص ۷۳-۹۱)

جرم و اختلالات شخصیت: از منظر فقه، حقوق و روان‌شناسی

Crime and personality disorders: from the perspective of jurisprudence, law and psychology

مصطفی عرب پور/ دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روان‌شناسی، پژوهشکده علوم رفتاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.
علی بیات/ دانشجوی دکتری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

Mostafa Arabpour /PhD student of psychology, Department of Psychology, reserch institute of Hawzah and University, qom, Iran.
m.arabpoor.ir@gmail.com

Ali Bayat / Field and University Research Institute.

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between crime and personality disorders from the perspective of jurisprudence, law and psychology. To answer this problem, two descriptive-analytical methods and a quantitative correlation method were used. This research has two textual and statistical communities. In examining the relationship between crime and personality disorders from three perspectives of jurisprudence, law and psychology, the textual community included specialized texts of each of these three sciences, of which some theories were explained as examples. The statistical population was the prisoners of Karaj city, from which 66 prisoners were selected as a sample by available sampling method. Participants completed the Millon Clinical Multivariate Test (MCMI-3). Findings in the section of description and qualitative analysis showed that the rules of jurisprudence and, consequently, law, have been set in accordance with human reality and psychological conditions, and this issue has been considered in religious sources,

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه جرم با اختلالات شخصیت از منظر فقه، حقوق و روان‌شناسی بود. برای پاسخ به این مسئله از دو روش توصیفی-تحلیلی و روش کمی هم‌بستگی استفاده شد. این تحقیق دارای دو جامعه متنی و آماری است. در بررسی رابطه جرم و اختلالات شخصیت از سه منظر فقه، حقوق و روان‌شناسی از جامعه متنی شامل متون تخصصی هر یک از این سه دانش بود که از این میان، برخی نظریه‌ها به عنوان نمونه تبیین شد. جامعه آماری آن زندانیان شهر کرج بودند که از این میان به روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۶۶ زندانی به عنوان نمونه انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان آزمون چندمحوری بالینی میلون (MCMI-3) را تکمیل کردند. یافته‌ها در بخش توصیف و تحلیل کیفی نشان داد احکام فقهی و به تبع آن حقوقی، متناسب با واقعیت انسان و شرایط روحی-روانی وضع گردیده است و این موضوع در منابع دینی مورد توجه واقع گردیده است که این بررسی شاهد بر این موضوع است.

which this study is evidence of this issue. In addition, the findings in the quantitative section on the relationship between crime and personality disorders from a psychological perspective showed that there is a significant relationship between the four personality disorders borderline, antisocial, harassing and paranoid with crime.

Keyword: Crime, personality disorders, jurisprudence, law, psychology.

علاوه بر این، یافته‌ها در بخش کمی و در زمینه رابطه میان جرم و اختلالات شخصیت از دیدگاه روان‌شناسی نشان داد میان ۴ اختلال شخصیت مرزی، ضداجتماعی، آزارگر و پارانوئید با ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: جرم، اختلالات شخصیت، فقه، حقوق، روان‌شناسی

مقدمه

جوامع شاهد ارتکاب جرائمی مانند قتل، آدم‌ربایی، سرقت مسلحانه، و تجاوز به عنف هستند که اجرای مجازات‌های شدید و سنگین نه تنها تأثیری در پیشگیری از وقوع این نوع از جرائم نداشته، بلکه شاهد شیوع چنین جرایمی در سطحی گسترده‌تر بوده‌ایم (ستوده و میرزایی، ۱۳۹۵، ص ۷). تعریف‌های متعددی از جرم بر اساس رشته‌های مختلف علمی مرتبط با بزهکاری به عمل آمد تا بتواند راهکاری مناسب و تأثیرگذار در زمینه جلوگیری از ارتکاب جرم ارائه دهد. حقوق دانان با توجه به آنچه در قوانین کیفری تصریح گردیده است اکتفا می‌کنند؛ جامعه‌شناسان با بررسی موضوع‌های اجتماعی و جرم‌شناسان بر مبنای اصول جرم‌شناسی به تعریف جرم پرداخته‌اند، بر اساس ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۳ هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن جرم تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شد (گلدوزیان، ۱۳۸۳، ص ۶۲)؛ بعد از اعمال برخی اصلاحات و تغییرات در قانون مجازات مصوب ۱۳۷۳ و متعاقب آن تصویب قانون مجازات جدید در سال ۱۳۹۲، قانون‌گذار تصریح نمود: به هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم می‌گویند؛ با این تعریف جرم عملی است که نظم عمومی در جامعه را مختل می‌کند و به این دلیل برای آن مجازات تعیین شده است. رفتار جنایی که با جرم و بزه مترادف است، کنشی ارادی محسوب می‌شود و به این دلیل که خود را در موقعیت فرض شده، مجاز به ارتکاب آن می‌داند، از شخص سر می‌زند. به عبارت دیگر، رفتاری که با هنجارها و ارزش‌های متداول جامعه مغایرت دارد جرم نامیده می‌شود (گسن^۱، به نقل از ستوده و میرزایی، ۱۳۹۵، ص ۵۵).

1. Gossin.

در طول تاریخ، موضوع‌های مرتبط با جرم فکر بشر را به خود مشغول داشته و غالب واکنش مردم در برابر مجرم و ارتکاب جرم به صورت مجازات‌هایی شدید و بی‌رحمانه بوده است؛ با گذشت قرن‌ها مکتب کلاسیک، تئوری «اراده آزاد» را مطرح کرد بدین معنا که اراده آزاد مجرم سبب رفتار ضد اجتماعی او شده است، مطابق این نظریه، مجرم مرتکب جرم می‌شود چون اراده خودش او را به ارتکاب جرم وا می‌دارد (احمدی، ۱۳۷۴، ص ۲۲). این نظریه، عقیده مردم مبنی بر لزوم تلافی عینی و انتقام و تحمیل مجازات‌های سنگین تقویت می‌کرد، هرچند پیروان مکتب کلاسیک، مبتلایان به جنون و اطفال را که فاقد اراده و مسئولیت بودند از مجازات معاف دانسته اما شخصیت مجرم را به کلی نادیده گرفته و هیچ‌گونه تفاوتی میان افراد ناقص‌العقل و شخص سالم قائل نبودند. در اواخر قرن ۱۸ سزار بکاربا به شدت علیه مجازات‌های بی‌رحمانه و غیرانسانی که به مجرمین تحمیل می‌شد انتقاد کرد (پارسا، ۱۳۷۴، ص ۹۴). این در حالی است که شرع مقدس اسلام در قرن ششم میلادی مسئولیت شخص مجرم آن‌هم به شرط دارا بودن عقل، بلوغ و اختیار را مورد توجه قرار داده است (احمدی، ۱۳۷۴، ص ۲۲). این عقاید بشردوستانه سبب شد از شدت مجازات‌ها کاسته شود و زمینه را برای نظریه پرقدرتی پدید آورده و به مفهوم بزهکاری، جنبه و شکل جدیدی دهد؛ تا اینکه پیشرفت علم روان‌شناسی و روان‌پزشکی موجب تشخیص انواع اختلالات روانی و شخصیتی گردید و در نتیجه محققین این علوم جرم را نتیجه عدم تعادل شخصیت مجرم که از واکنش متقابل عوامل روانی و بیولوژیکی ناشی می‌شود، تلقی می‌نمایند و عدم تعادل روانی به نظر روان‌شناسان باعث اختلالات شخصیتی افراد شده و آنها را به سوی ارتکاب اعمال خلاف قانون سوق می‌دهد. بررسی‌های بسیاری نشان داده‌اند که بزهکاران غالباً دارای مشکلات جدی شخصیتی هستند (جزایری، جعفری‌زاده و پورشهباز، ۱۳۸۲). بر این اساس، یکی از نابهنجاری‌های روانی شایع در انسان، اختلال‌های شخصیت است که منجر به بروز جرم از سوی فرد می‌گردد.

برای مطالعه علت رفتار مجرمانه با توجه به فردی‌کردن جرم و شخصیت مجرم می‌بایست از مفهوم شخصیت و اختلال شخصیتی که منجر به بروز رفتارهای مجرمانه گردیده است آگاهی تحصیل گردد (هدایتی، ۱۳۸۵). شخصیت به عنصر ثابت فرد و هرآنچه موجب تمایز او از دیگران است، تعریف شده است (قاسمی و برندگی، ۱۳۹۰). بر این اساس، عوامل ژنتیکی و محیطی از جمله عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت هر فرد است که در این میان وراثت و شرایط فیزیولوژی فرد و محیط جغرافیایی و اجتماعی وی از اهمیت ویژه‌ای

برخوردارند؛ طبیعی است که هنجارها، فرهنگ و ارزش‌های هر جامعه، که خود می‌تواند شامل جامعه‌های کوچک‌تری همچون گروه‌های دوستانه، خانواده، مدرسه، دانشگاه، محل کار و اشتغال، مجامع علمی، ورزشی، مذهبی و اخلاقی نیز باشد، درکنار فیزیولوژی بدن هر فرد و اختلال در غدد درون‌ریز یا داخلی مثل کم‌کاری یا پرکاری تیروئید، نحوه ترکیب کروموزوم‌ها، نوع محیط جغرافیایی مثل زندگی در مناطق سردسیر یا گرمسیر و حتی نوع زندگی به مفهوم شهری، روستایی یا فقر و ثروت همگی می‌توانند بر شخصیت فرد تأثیرگذار باشند (ستوده و میرزایی، ۱۳۹۵، ص ۴۳). مطابق با راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، اختلال شخصیت عبارتست از: مجموعه اختلال‌های روان‌شناختی که ویژگی اصلی آنها رفتارهای خشک و غیرقابل انعطاف است؛ این رفتارها به اشخاص آسیب می‌رساند، چون مانع سازگاری آنها با الزام‌های زندگی روزانه شده و در روند روابط آنها با دیگران ایجاد اختلال می‌نماید (کریمی، ۱۳۸۹، ص ۲۴).

با توجه به آنچه گذشت، جرم یکی از موضوعاتی است که با حیات جوامع بشری آمیخته شده است؛ چرا که بقا و ماندگاری هر اجتماعی مستلزم رعایت هنجارها و اصول تعریف شده در آن اجتماع می‌باشد. علاوه بر این، امروزه شناخت شخصیت مجرم، نقش بسزایی در محاکمات قضائی و در نتیجه آینده فرد و جامعه دارد. از این رو، با ارتکاب هر جرمی سوالی که ذهن هر فردی را مشغول می‌سازد این است که بزهکار چرا مرتکب این عمل شده است؟ چه ویژگی‌هایی در شخصیت و سرشت وی ریشه دوانده تا وی را به سمت ارتکاب جرم سوق داده است؟ چرا برخی از افراد بیش از دیگران مرتکب جرم می‌شوند؟ هدف این پژوهش این است که برای پاسخ به این مسئله با رجوع به منابع فقهی، حقوقی و روان‌شناسی به شناسایی ارتباط بین اختلالات شخصیتی و ارتکاب جرم از منظر فقه، حقوق و روان‌شناسی بپردازد.

روش پژوهش

این پژوهش با دو رویکرد کیفی- کمی انجام شد. در رویکرد کیفی، از روش توصیفی-تحلیلی و در رویکرد کمی، از روش توصیفی از نوع هم‌بستگی استفاده شد. در مرحله اول، ابتدائاً مفهوم «جرم» و مفاهیم مرتبط با آن در منابع دینی، حقوقی و روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. سپس در هر بخش، با نگاه تحلیلی به بررسی جایگاه اختلالات شخصیت در نظر برخی از فقها؛ جایگاه دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی در راستای اختلالات شخصیت در منابع حقوقی و روان‌شناختی پرداخته شد.

در مرحله دوم، به بررسی کمی ارتباط میان اختلالات شخصیت و جرم با روش توصیفی، از نوع هم‌بستگی پرداخته شد. جامعه هدف این بخش، زندانیان شهر کرج بودند که بدین منظور از طریق نمونه‌گیری در دسترس ۷۵ نفر از زندانیان زندان قزل‌حصار کرج (۳۰ نفر تحصیلات ابتدایی، ۴۵ نفر تحصیلات سیکل و دیپلم، ۲۸ نفر بین ۳۰ الی ۴۰ سال و ۴۷ نفر ۴۰ سال به بالا) انتخاب شدند. سپس پرسش‌نامه MCMI-۳ (میلون) ۱۷۵ سوالی توسط مددکاران اجتماعی بین آنها توزیع گردید. در ادامه نه پرسشنامه به علت عدم همکاری در تکمیل حذف گردید و در نهایت ۶۶ پرسشنامه تکمیل شده وارد فرایند تجزیه و تحلیل شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بخش آمار از میانگین و انحراف استاندارد و در بخش آمار استنباطی از آزمون تحلیل واریانس تک‌متغیره استفاده شد. عملیات‌های آماری در این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار تحلیل داده‌های آماری SPSS-۱۶ انجام شد.

ابزار پژوهش

آزمون چند محوری بالینی میلون^۱ (MCMI-۳)؛ این آزمون در سال (۱۹۹۶) توسط تئودر میلون و همکارانش ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۱۷۵ سوال، ۲۳ مقیاس بالینی بر مبنای DSM-II-R و ۳ مقیاس اعتبار، بدجلوه‌دهی و جامعه‌پسندی است. میلون ۳ به ۱۱ الگوی شخصیتی شامل اسکیزوئید، اجتنابی، افسردگی، وابسته، نمایشی، خودشیفته، ضداجتماعی، خشن-دگرآزار، خودآزار، وسواس-اجبار، منفی‌گرا؛ سه الگوی شدید بیمارگونه شخصیتی شامل پارانوئید، مرزی، اسکیزوتایپال؛ ۷ سندرم بالینی اضطراب، اختلال شبه‌جسمانی، دوقطبی-شیدایی، افسرده‌خوئی، وابستگی به الکل، اعتیاد، اختلال در استرس پس از ضربه؛ و سه سندرم شدید بالینی اختلال تفکر، افسردگی اساسی و اختلال هذیانی می‌پردازد. این آزمون در ایران در سال ۱۳۷۲ توسط موگهی و در سال ۱۳۸۱ توسط شریفی هنجاریابی شده و ویژگی‌های روان‌سنجی آن با یافته‌های گزارش شده توسط میلون هم‌خوانی دارد (خدابخش، ۱۳۹۱). پایایی آن از طریق دونیمه‌سازی محاسبه شد و آلفای کرونباخ آن برابر ۰/۹۳ بود.

1. Millon clinical Multi-axial Inventory (MCMI-III).

یافته‌های پژوهش

اختلالات شخصیت و جرم از منظر فقهی

در قرآن کریم، «جرم» مترادف با «گناه» تلقی شده و عبارت از انجام دادن فعل یا گفتن قولی است که شارع آن را منع کرده و برای آن کیفر قرار داده است. برای دستیابی به معنای جرم در قرآن مراجعه به الفاظی از جمله اثم، سیئه، خطیئه، ذنب و مشتقات آن که به معنی کار زشت و ناپسند است، آیات مشمول قصاص نفس، قصاص عضو، دیه، حد زنا، حد قذف، حد سرقت، محاربه و بغی مفید است (حوصله و همکاران، ۱۳۹۳). خطیئه و سیئه در قرآن به معنی بدی و زشتی آمده است^۱ (بقره، ۸۱). علاوه بر این، جرم در مورد افترا به خدا و انکار آیات الهی به کار رفته است^۲ (یونس، ۱۷). اثم^۳ و ذنب^۴ نیز از جمله واژه‌هایی است که به معنی ستم و ظلم آمده است (بقره، ۱۸۸ و اسراء، ۱۷).

جرم در لغت به معنی ذنب (جوهری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷) و در اصطلاح عام، ارتکاب هر فعل حرام یا ترک واجبی است که شارع آن را ممنوع کرده و مرتکب آن را مستحق کیفر دنیوی از جمله حدود، قصاص، تعزیر یا پرداخت دیه می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۳۴، ص ۲۴۳). همچنین در اصطلاح خاص از جرم به جنایت بر نفس یا عضو تعبیر شده که مجازات آن قصاص نفس یا قصاص عفو یا پرداخت دیه است (همان، ص ۲۴۴).

در میان فقها امام خمینی علیه السلام در کتاب تحریرالوسیله خود در مورد جرم می‌فرماید: کسی که چیزی از محرمات، که مسلمین بر حرام بودنش اجماع دارند، حلال شمارد، مانند گوشت میت، خون، خوک و ربا، چنانچه انکار او به تکذیب پیامبر صلی الله علیه و آله با انکار شریعت باز گردد و بر فطرت اسلام متولد شده باشد (یعنی یکی از پدر یا مادرش در حال انعقاد نطقه‌اش مسلمان بوده و بعد از نبوغ، اظهار اسلام کرده است) اعدام می‌شود و الا تنها تعزیر می‌شود. بنابراین، هر کس واجبی را ترک نماید، یا حرامی را مرتکب شود، پس برای امام علیه السلام و نایب امام این حق وجود دارد که او را تعزیر نماید، به شرطی که عمل فرد در ترک واجب یا ارتکاب حرام گناه کبیره تعرفه شده باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۳، ص ۴۳).

از آن جا که مبدأ تدوین قوانین در کشور اسلامی ایران، فقه امامیه بوده است، به طور

۱. بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ: بقره، ۸۱.

۲. فَسَنُأَذِلُّنَّكَ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ: یونس، ۱۷.

۳. وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ: بقره، ۱۸۸.

۴. وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ لِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا: اسراء، ۱۷.

طبیعی، پژوهش و تحقیق در احکام این دسته از بیماران، با توجه به یافته‌های جدید در روان‌پزشکی ضرورتی غیرقابل‌انکار خواهد داشت. فقه استدلالی امامیه، از دیرباز به این مسئله توجه نموده و حقوق بیماران روانی را در زمینه‌های حقوق مدنی و جزا و غیر آن، بازشناسانده و روشن نموده است؛ هرچند گسترش و پیشرفت روان‌شناسی ضرورت بازبینی در یافته‌های فقهی و ارائه نگرشی نو به منابع اجتهادی را یادآوری می‌نماید (سلیمانی خراط، ۱۳۹۶، ص ۲۸). مفهوم اختلال روانی، مانند خیلی از مفاهیم دیگر در پزشکی و دیگر علوم، تعریف علمی ثابت ندارد و می‌توان گفت با سطحی از انتزاع معرفی می‌شود و تقریباً تمام موقعیت‌ها را در برگیرد؛ مانند ناراحتی، کنترل نداشتن، محروم بودن، ناتوانی، انعطاف نداشتن بی‌منطقی، انحراف آماری و هریک از این مفاهیم، شاخص مفیدی برای یک اختلال روانی است؛ اما هیچ‌کدام معادل مفهوم اختلال نیست (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۴، ص ۲۵-۲۶). در تمام علوم برای شناسایی مفاهیم و درک عمیق از موضوعات از فرایندی تحت عنوان رده‌بندی استفاده می‌شود که با آن پدیده‌های پیچیده، در برابر معیارها و ملاک‌های نمایان و روشن، به گونه رده‌ها و رسته‌ها، سامان‌دهی داده می‌شوند و هدف اصلی، بازشناسی گونه‌های بیماری‌های روانی در مدت زمانی کوتاه، جهت درمان بیمار و جلوگیری از بروز تبعات بیماری در خود فرد یا اطرافیانش است، در اینجا باید اذعان نمود که چنین طبقه‌بندی و سازماندهی سیستماتیک در فقه غیرقابل‌درک و قطع به یقین با هدف‌ها و کارکردهای علم فقه هیچ‌سختی ندارد (سلیمانی خراط، ۱۳۹۶، ص ۳۳). اما اگر بپذیریم که تمام مفاهیم مرتبط با اختلالات شخصیتی و روانی با مفاهیم انتزاعی تعریف می‌شوند می‌توانیم بگوییم علم فقه نیز برای بیماران دارای اختلالات شخصیتی روانی طبقه‌ها، رده‌ها و رسته‌هایی را ذکر و مباحث هرکدام به تفکیک مشخص شده است؛ مانند جنون؛ از منظر فقه جنون عبارت از زوال و یا فساد عقل می‌باشد (همان، ص ۴۸). در میان فقیهان امامیه، محقق نراقی به مسئله اختلالات شخصیتی و روانی در بیماران روانی و احکام آنان توجهی ویژه داشته و پرداختن به این مقوله را از مسائل مهم فقه قلمداد کرده است (نراقی، ۱۳۷۵، ص ۶۸). نراقی در مقاله‌ای مستقل در کتاب عوائدالایام به این مقوله پرداخته و گوشه‌ای از زوایای تاریک آن را روشن کرده است. وی، اختلال‌های روانی را در دو طبقه: سفاهت و جنون جای داده و پس از ارائه تعریفی از این دو، به بیان احکام آن پرداخته است. جنون شامل انواع بیماری‌های دماغی است که موجب اختلال در کارکرد عقل و فساد آن می‌شود. این فساد ممکن است در قوه عاقله و یا در قوای دیگر همچون قوه مفکره یا مخیله باشد و

جنون دارای گونه‌های گوناگون و آثار متفاوت است. از این روی بیان می‌کند که جنون فنی از فنون است (همان، ص ۱۴۳). صدور و اجرای احکام مجرمان در قوانین مجازات اسلامی یا احکام فقهی مشروط بر عاقل و صاحب اراده بودن مجرم است و اگر فردی در حین ارتکاب جرم، دچار اختلال مغزی یا روان‌شناسی در حدی باشد که قدرت تعقل یا تفکرش مختل شود و قادر به تشخیص خوب از بد نباشد، مجنون به حساب می‌آید و در واقع با هر درجه‌ای که باشد رافع مسئولیت کیفری است (صادق زاده، ۱۳۹۸). پیشتر گفته شد در اصطلاح فقها جرم را به گناه و معصیت تعبیر کرده‌اند و آن را سرپیچی و مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس که شامل هرفعل یا ترک فعل دارای ضرر اجتماعی می‌شود می‌دانند که علاوه بر اضرار به جامعه، موجب زیان و تباهی شخص مرتکب نیز می‌گردد (الهام، ۱۳۷۲، ص ۴۳).، فقها برای جرم دو رده عنوان کرده‌اند: تجاوز به حق الله شامل جرائمی است که مُخل نظم و حقوق عمومی و اخلاق حسنه و امثال آن می‌شود و دیگری تجاوز به حق الناس که در این شق از تقسیم‌بندی، جرم جنبه خصوصی و شخصی دارد و زیان دیده فرد معینی می‌شود؛ جرم فقهی یا همان گناه نه تنها اعمال حرام دارای تباهی و مفسده فردی برای مرتکب است بلکه دایره شمول آن فراتر رفته و تمام جرایم مطروحه در قوانین مجازات اسلامی را که علاوه بر مفسد و زیان‌های فردی، به جامعه نیز آسیب می‌رساند، را در بر می‌گیرد. مبنای گناه و معصیت، کتاب و سنت است که مبتنی بر وحی و احکام الهی بوده و در طول تاریخ بشری در تمام شرایط بدون استثناء مفهومی ثابت و تغییرناپذیر دارد؛ در حالی که مفهوم قانونی جرم، قراردادی و اعتباری است و متناسب با شرایط و عوامل مختلف در هر عصر و زمانی متغیر است (کرباسی، ۱۳۸۱). در نهایت می‌توان گفت که از منظر فقها جرم مترادف گناه بوده و به هر فعل یا ترک فعل خارج از شرع اطلاق می‌گردد و اختلال شخصیت نیز که در فقه به عبارتی آن را عقل ناقص می‌گویند قطعاً می‌تواند موجب ارتکاب جرم یا گناه توسط بزهکار گردد.

اختلالات شخصیت و جرم از منظر حقوقی

اندیشمندان حقوق جزای عمومی، جرم را به فعل یا ترکی اطلاق می‌کنند که از شخص مسئولی سرزده و قانون‌گذار برای آن، مجازاتی را در نظر گرفته است (حاجی میرسعیدی، ۱۳۹۸). از این رو، اولاً، مقصود از جرم تنها فعل یا ترکی است که به جان، مال، ناموس و حیثیت دیگران لطمه وارد می‌آورد؛ ثانیاً، شامل همه جرایم حتی جنایات عمدی و خطایی نیز می‌گردد. بنابراین، جرم در حقوق، با معصیت یا گناه که موضوع حدود و تعزیرات است، تفاوت دارد.

به عبارت دیگر، رابطه جرم در فقه و حقوق، عام و خاص من وجه است. از این رو، گناه که موضوع حدود و تعزیر اسلامی است، شامل هر گناهی می‌شود؛ هرچند مفسده فردی داشته باشد؛ از جمله شرب خمر، کذب، و ترک واجبات، در حالی که جرم در حقوق جزای عمومی شامل این‌گونه گناهان نمی‌شود. علاوه بر این، جرم که موضوع حقوق جزای عرفی است، شامل جنایات عمدی و خطایی نیز می‌گردد، در حالی که، گناه که موضوع حدود و تعزیرات شرعی است، شامل این‌گونه گناهان نمی‌شود. بنابراین، موضوع حقوق جزای اسلامی، که اعم از گناه و جنایات است، با موضوع حقوق جزای عرفی، به اصطلاح اهل منطق، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی موضوع حقوق جزای شرعی اعم از موضوع حقوق جزای عرفی است؛ زیرا علاوه بر این که شامل گناهان دارای مفسده اجتماعی و نیز جنایات عمدی و خطایی می‌شود، گناهایی را که دارای مفسده شخصی نیز هستند شامل می‌شود؛ برخلاف موضوع حقوق جزای عرفی، که شامل نوع اخیر نمی‌شود (گرجی، ۱۳۷۲، ص ۳۴).

قانون‌گذار در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص ارتکاب جرم توسط فردی که دارای اختلال روانی است، می‌گوید: «هرگاه مرتکب، در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد» یعنی اذعان داشته که جنون، سلامت عقل و شعور فرد را از بین برده و مانع از آن می‌شود که شخص بتواند نتایج امور و مسائل زندگی و همچنین خوبی و بدی هر رفتار را ارزیابی کند و در کلامی ساده‌تر قدرت قضاوت و تحلیل خود را در امور مختلف از دست می‌دهد (دیناری، ۱۳۹۷، ص ۱۸).

مطابق قانون مجازات، منظور از جنون وجود برخی اختلالات شدید روانی است که مرتکب، بدون توجه به نتیجه احتمالی کاری که در حال انجام است، و بدون وجود اراده، مرتکب جرم می‌شود (همان، ص ۱۰۱). از آنجا که یکی از مهم‌ترین موضوعات مطروحه در قلمروی حقوق جزا، بحث مسئولیت کیفری است، اختلال روانی مرتکب مصادیقی از جنون است و مجرم نیز به دلایل ذهنی یا عینی قادر به درک فحوای قانون نیست، و به طریق اولی وی از مسئولیت کیفری و بالطبع مجازات‌رهایی می‌یابد؛ حال اگر اختلالات شخصیتی و روانی را در وقوع جرم مؤثر ندانیم به لحاظ آن که این فعل از مصادیق جنون نیست، مرتکب مجرم شناخته شده و ناگزیر، مسئول عمل مجرمانه خود و قابل مجازات خواهد بود.

یکی از دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی، تشکیل پرونده شخصیت برای مرتکبین جرایم مختلف است تا با اتکاء به آن، راه‌های معالجه و بهبود بزهکار با مدنظر قراردادن

ویژگی‌های جسمی، روانی، روحی و تعیین درجه شدت نابهنجاری‌های اجتماعی در وجود بزهکار، بررسی گردد. بنابراین، ارتباط اختلالات شخصیتی با بروز جرم از منظر حقوق‌دانان در راستای تحقق یا عدم تحقق مسئولیت کیفری بزهکار متبلور می‌شود و روشن است که رفتار و اعمال هر انسانی معلول علتی است که ریشه در زمان شکل‌گیری شخصیت روانی وی دارد. از این رو، عوامل روانی و اختلالات شخصیتی هر فرد در اعماق وجود خود اوست (حسینعلی زاده، ۱۳۹۸). هرچند جرم و انحراف با هم ارتباط نزدیکی دارند، اما از لحاظ مفهومی و از منظر قانون‌گذار با هم تفاوت دارند؛ چرا که جرم برگرفته از قانون است و ضمانت اجرای موضوعی خود را دارد اما انحراف یک مفهوم اخلاقی و اجتماعی است که موجب برانگیختن افکار و سرزنش عموم می‌گردد. با این حال هر دوی آنها ناهنجاری محسوب می‌شوند، اما آنچه حائز اهمیت است نگاه قانون‌گذار به مجموعه این دو مفهوم و تأثیر آن در نقض قواعد قانونی و نظم عمومی حاکم بر جامعه است و اینکه قانون‌گذار کدام فعل یا ترک فعلی را جرم و مستحق مجازات دانسته و چه عملی را انحراف و در نتیجه فاقد ضمانت اجرای کیفری دانسته است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴، ص ۵۰). معنای عنصر قانونی و قانونی بودن جرم و مجازات در اینجا تجلی یافته و طبق نظر مقنن رفتاری مستحق مجازات است که در قانون جرم‌انگاری شده باشد. با این وجود، اگر فردی فاقد قوه ادراک و تعقل باشد و مرتکب فعل یا ترک فعلی شود که نظم عمومی را برهم زند یا به حقوق عموم مردم تعرضی نماید مطالعه و تعمق بر شخصیت و وضعیت روحی و روانی بزهکار باید مرکز توجهات و بررسی‌های بیشتر قرار بگیرد (حبیب زاده، ۱۳۹۸، ص ۹۸). بنابراین اگر فقدان درک و شعور عقلی در فردی طوری احراز گردد که اساساً نمی‌توانسته خود و یا حتی با تذکر دیگران موضوع جرم و مغایرت آن با قانون را تشخیص دهد، وی مجرم محسوب نمی‌شود و عملاً از نظر قاضی اختلال شخصیت و روان وی مسلم و مؤثر تشخیص داده می‌شود.

اختلالات شخصیت و جرم از منظر روان‌شناسی

اختلال‌های شخصیت در واقع شیوه‌های نارسا و نامناسبی برای حل مسئله و کنار آمدن با فشار روانی هستند. اغلب در اوایل نوجوانی بروز می‌کنند و در سراسر بزرگسالی ادامه می‌یابند. برخلاف مبتلایان به اختلال‌های روانی، افراد مبتلا به اختلال‌های شخصیت معمولاً ناراحتی یا اضطرابی احساس نمی‌کنند، انگیزشی برای تغییر رفتار خود نشان نمی‌دهند و برخلاف

افراد اسکیزوفرنیایی، تماس خود را با واقعیت از دست نمی‌دهند و نابسامانی چشمگیری در رفتارشان مشاهده نمی‌شود (اتکینسون^۱ و همکاران، به نقل از براهنی، ۱۳۷۸).

برخی از روان‌شناسان (فوتیادوآ^۲ و همکاران، ۲۰۰۶، ایزمز^۳ و همکاران، ۲۰۰۶) علل رفتار جنایی را بر حسب نقص شخصیت فرد تبیین می‌کنند. به اعتقاد آنها برخی از گونه‌های شخصیت، بیشتر از دیگران گرایش به تبهکاری و ارتکاب جرم دارند و در واقع بیش از آنکه رفتار جنایی فرد را به ژن‌های غیرعادی نسبت دهند به تجربه‌های ناپه‌نچار دوران کودکی که نتیجه روابط ناسالم بین فرد و محیط اجتماعی‌ای است، منتسب می‌کنند. به اعتقاد رحیمی و همکاران (۱۳۹۶) ممکن است در میان مجرمین افرادی با هوش بالا دیده شود، اما اختلالات هوشی را در قالب بزهکاران می‌توان دید و اختلالات روانی زمینه مساعدی را برای تشکیل شخصیت مجرمانه به وجود می‌آورند. مطابق دیدگاه فروید (احمدی، ۱۳۷۴) جرم عکس‌العملی علیه اضطراب است. برای نمونه از میان انواع اضطراب، «ناایمنی» سبب دفاع «من» در برابر ترس ناشی از آن شده که این دفاع ممکن است به جرم منجر شود. همچنین، بروز جرم نشانگر آن است که فرد نتوانسته و یا امکان نیافته تا بتواند تعادل بین نهاد و فرامن را ایجاد کند. از این رو، علامتی از ضعف و عدم انضباط و یا ناپختگی «من» را از خود بروز می‌دهد که در قالب جرم نمایان می‌گردد. در فرض سوم، مطابق دیدگاه فروید جرم علامتی از ضعف «فرامن» و یا ناپختگی و عدم انضباط آن به شمار می‌آید؛ همیشه نمی‌توان گفت که ناپختگی «من» موجب بروز جرم می‌شود، بلکه اگر مقررات، دستورات و قوانین دچار اشکال باشند و یا بر طبق اصول صحیح و منطبق با آداب و رسوم تاریخی و سنت‌های یک قوم تدوین نگردند و یا قانون به نحو ظالمانه با مردم برخورد کند امکان دارد که با ارتکاب جرم علیه این مقررات نیز اقدامات مجرمانه به عمل آید (حسینی، ۱۳۹۶).

روان‌شناسان جنایی در بررسی جرم از بعد روان‌شناختی، عوامل فردی را به عنوان مهم‌ترین عامل معرفی کرده و آن را مجموعه‌ای از عوامل می‌دانند که در ارتباط با ویژگی‌ها و خصوصیات فردی او است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۸) کین برگ^۴ عوامل فردی را مجموعه‌ای از تمایلات واکنشی می‌داند که در لحظه مشخص به صورت واقعی وجود دارد و این تمایلات

1. Atkinson.

2. Fotiadoua.

3. Ames.

4. Kane Berg.

می‌تواند ارثی یا اکتسابی باشند (کی نیا، ۱۳۸۳، ص ۲۴). با این وجود می‌توان استنتاج نمود که شخصیت افراد از دو گروه صفات تشکیل می‌گردد؛ گروه اول مجموعه خصوصیات و ویژگی‌های موروثی هستند که به آن خصوصیات فطری نیز می‌گویند و در اصل از لحظه تولد همراه وی هستند و گروه دیگر صفاتی همچون اعتیاد و مصرف مشروبات الکلی هستند که بعد از تولد در مواجهه با محیط کسب می‌گردند. مطالعات گسترده روان‌پزشکان در حوزه ارتباط اختلالات شخصیت با جرم گردید تا با استفاده از پرسش‌نامه‌های خود بتوانند شخصیت مجرم را چه در لحظات اولیه زندگی و چه بعد از آن مورد شناسایی قرار دهند. اکثر روان‌شناسان جنایی بر این عقیده‌اند که باید بر متغیرهای شخصیت افراد تکیه کرد و آن را بهترین عامل در قضاوت بالینی دانست (محمد خانی، ۱۳۹۵، ص ۴۳).

سرانجام، برای بررسی رابطه میان اختلالات شخصیت و جرم علاوه بر دیدگاه‌های روان‌شناسان به بررسی این رابطه از طریق روش کمی پرداخته شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، به منظور تجزیه و تحلیل آنها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. آمار توصیفی شامل میانگین، نمرات دو گروه آزمودنی‌ها در اختلالات شخصیت پارانوئید، گسیخته، مرزی، ضداجتماعی، نمایشی، وسواسی، آزارگر و آزارطلب است که نتایج در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد هر یک از اختلالات شخصیت در دو گروه مجرمان

متغیر	آزمودنی‌ها با سابقه دو و بیش از دوبار جرم		آزمودنی‌ها بدون سابقه کیفی	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
اختلال شخصیت پارانوئید	۶۶/۰۷	۱۶/۴	۵۹/۱۸	۱۹/۴
اختلال شخصیت گسیخته	۵۴/۴۴	۱۹/۶	۵۳/۶۹	۲۳/۹
اختلال شخصیت مرزی	۸۸/۳۱	۲۱/۸	۷۹/۳۲	۲۰/۷
اختلال شخصیت ضداجتماعی	۸۹/۹۱	۲۱/۹	۷۱/۸۸	۲۲/۱
اختلال شخصیت نمایشی	۵۵/۴۳	۱۴/۷	۵۵/۰۹	۲۱/۶
اختلال شخصیت وسواسی	۵۸/۴۱	۲۰/۹	۵۷/۱۸	۲۴/۹
اختلال شخصیت آزارگر	۷۷/۰۲	۱۹/۳	۶۲/۵۳	۲۵/۹
اختلال شخصیت آزارطلب	۵۵/۵۲	۲۰/۴	۵۳/۳۹	۲۳/۹

همان‌طور که شریفی (۱۳۹۶، ص ۱۳۷) در تفسیر تست میلون بیان می‌کند، چنانچه نمره آزمودنی در هر یک از اختلالات شخصیت بالاتر از ۸۴ باشد، وی تمام ویژگی‌های آن اختلال

را داشته و ملاک‌های تشخیصی آن را برآورده می‌سازد. همچنین، در صورتی که نمره آزمودنی در یک مقیاس بین ۷۵ تا ۸۴ باشد، واجد برخی از ویژگی‌ها و صفات معرف اختلال و نه تمام ویژگی‌ها است. براین اساس، افراد مجرم در دو اختلال شخصیت مرزی و ضداجتماعی، واجد اختلال بوده و در اختلال شخصیت آزارگر واجد ملاک‌هایی از این اختلال هستند. این درحالی است که در گروه بدون سابقه کیفری، میانگی هیچ یک از اختلالات بالاتر از ۸۴ نبوده و این حاکی از این است که ملاک‌های تشخیصی یک اختلال برآورده نشده است. علاوه بر این، میانگین نمرات آزمودنی‌های گروه با بیش از دو بار سابقه جرم در مقابل گروه بدون سابقه کیفری در اختلالات شخصیت پارانوئید، گسیخته، مرزی، ضداجتماعی، و آزارگر بیشتر بوده و در اختلالات شخصیت نمایشی، و سواسی، و آزارطلب تفاوت قابل توجهی مشاهده نمی‌شود. در سطح آمار استنباطی برای بررسی اینکه آیا تفاوت میان دو گروه از آزمودنی در هر یک از اختلالات شخصیت معنادار است یا خیر، از تحلیل واریانس یک متغیره استفاده شد. در تحلیل واریانس تک متغیره سطوح معنادار به دست آمده (P کمتر از ۰/۰۵) حاکی از آن است که زندانیان حداقل در یکی از متغیرهای اختلال شخصیت با یکدیگر تفاوت معنادار دارند. نتایج حاصل از تحلیل واریانس تک متغیره در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: تحلیل واریانس یک متغیری مانوا بر روی مؤلفه‌های اختلال شخصیت

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
ضداجتماعی	۱۱۰۲۹/۳۳	۱	۱۱۰۲۹/۳۳	۱۵/۷۰	۰/۰۰۰۱
خودشیفته	۲۳۴۷/۲۲	۱	۲۳۴۷/۲۲	۲۲/۱۹	۰/۰۰۳
پارانوئید	۷۹۰۶/۹۳	۱	۷۹۰۶/۹۳	۲۲/۱۹	۰/۰۰۰۱
دیگرآزار	۲۳۴۷/۲۲	۱	۲۳۴۷/۲۲	۲۲/۱۹	۰/۰۰۳
آزار طلب	۱۱۱/۵۰	۱	۱۱۱/۵۰	۳/۱۱	۰/۱۹
وسواسی	۱۳۲۱/۲۵	۱	۱۳۲۱/۲۵	۳/۶۵	۰/۲۲
نمایشی	۱۶۵۶/۲۰	۱	۱۶۵۶/۲۰	۳/۹۰	۰/۵۰
مرزی	۵۵۰۰/۱۳	۱	۵۵۰۰/۱۳	۱۱/۲۳	۰/۰۰۱

همان‌طور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد اختلالات شخصیتی در میان مجرمان در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد، اگر چه نمرات آماره F حاکی از آن است که تفاوت میانگین در اختلالات شخصیت ضداجتماعی، مرزی، و پارانوئید بیشتر از دیگر اختلالات است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی رابطه جرم و اختلالات شخصیت بود. بدین منظور، ابتدا به بررسی جرم در فقه، حقوق، روان‌شناسی با محوریت ارتباط آن با اختلالات شخصیت پرداخته شد. در مرحله بعد، با در نظر گرفتن دیدگاه‌های موجود در این حوزه، رابطه جرم و اختلالات شخصیت با روش کمی در میان زندانیان با سابقه جرم پیشین و بدون سابقه انجام گرفت. یافته‌ها در بخش نخست نشان داد در فقه به هر نوع عملی که در شرع ممنوع و دارای کیفر دنیوی است جرم گفته می‌شود و اگر بپذیریم که تمام مفاهیم مرتبط با اختلالات شخصیتی و روانی با مفاهیم انتزاعی تعریف می‌شوند، می‌توان در علم فقه نیز برای بیماران دارای اختلال شخصیت طبقه‌ها و رده‌هایی ذکر کرد. این یافته، هم‌سو با پژوهش نراقی (۱۳۷۵) است که به تفکیک اختلالات روانی را به دو دسته سفاقت و جنون تقسیم کرده است. همچنین، پژوهش سلیمانی خراط (۱۳۹۶) قائل به ارتباط بین تیپ‌های شخصیتی و مراتب تغذیرات فقهی است.

در علم حقوق نیز جرم، هر فعل یا ترک فعلی است که بر اساس قانون، قابل کیفر یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی است. بر این اساس، می‌توان گفت که بین تعریف فقهی و حقوقی جرم رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار است. در این بخش مشخص گردید که با توجه به در نظر گرفتن اختلالات روانی در موضوعات احکام فقهی، در خصوص ارتکاب جرم توسط چنین افرادی، از نظر قانون‌گذار این وضعیت می‌تواند مصداقی از جنون در نظر گرفته شده و آن را در وقوع جرم مؤثر بدانیم؛ از این رو، مجرم از مسئولیت کیفری و بالطبع مجازات رهایی می‌یابد. در همین راستا، باری^۱ (۲۰۱۶) بر ضرورت تشکل پرونده شخصیت در دادرسی اطفال تأکید کرده و بیان می‌کند قاضی با مطالعه و بررسی این پرونده که در بردارنده تیپ شخصیتی و ویژگی‌های روان‌شناختی کودک و نوجوان است، اشراف کافی به وضعیتش پیدا کرده و با فردی‌سازی تصمیمات خود، عکس‌العملی متناسب با شخصیت او اتخاذ نماید. آشوری و عظیم زاده (۲۰۱۳) نیز معتقدند در مرحله قضاوت، لزوم توجه به وضعیت روانی مجرم بسیار حائز اهمیت است.

علاوه بر فقه و حقوق، دانش روان‌شناسی جرم را عملی می‌داند که نظم اجتماع را به هم می‌زند. در ارتباط میان جرم و اختلال شخصیت از نظر علم حقوق و روان‌شناسی، انواع

1. Bari.

تیپ‌های شخصیتی تحت تأثیر شرایط خاص اجتماعی در جرایم متفاوتی نمود پیدا می‌کند (فوتیادوآ و همکاران، ۲۰۰۶). شاهد اینکه، روان‌شناسان نیز طی تحقیقات گسترده نشان دادند همه افراد دارای سرشت خاص خود هستند که از مجموعه عوامل ژنتیکی، محیطی تشکیل شده است و در صورت بروز اختلالات شخصیتی فرد را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد (جعفرمحمدی و کیانی، ۱۳۹۴؛ مختاری، ۱۳۸۴). همچنین، همان‌طور که پژوهش صادقی (۱۳۹۳) نشان می‌دهد، بین تکرار جرم و نوع اختلالات شخصیت ارتباط وجود دارد. علاوه بر این، فقها (آذربادگان، ۱۳۸۰؛ فتحعلی زاده، ۱۳۹۸) نیز معتقدند انسان‌ها ضمن داشتن ویژگی‌های نامتناسب و ناموزون و تحت تأثیر آن‌ها دست به ارتکاب جرم می‌زنند و از میان تمام اختلالات شخصیتی، اختلال شخصیت ضد اجتماعی و مرزی از آن‌جا که مستقیماً به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی آسیب و زیان وارد می‌نماید همواره مورد توجه بوده است. در بخش دوم، نتایج نشان داد که افراد مجرم در اختلالات شخصیت مرزی، ضد اجتماعی و آزارگر ملاک‌های تشخیصی این اختلالات را برآورده می‌کنند. علاوه بر این، میانگین مقیاس‌ها در دو گروه افراد با سابقه دو و بیش از دو و افراد زندانی بدون سابقه کیفی حاکی از این است که این تفاوت در سه اختلال شخصیت ضد اجتماعی، مرزی، و پارانوئید معنادار است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت وجود ۴ اختلال شخصیت مرزی، ضد اجتماعی، آزارگر و پارانوئید با ارتکاب جرم رابطه معناداری دارد.

همچنین، نتایج حاصل از این یافته‌ها نشان داد، علاوه بر تحصیلات پایین، بیکاری، وضعیت تأهل، سن بر بروز جرم از سوی بزهکاران، نقش اختلالات شخصیتی در این موضوع قابل توجه است. آنچه نقش اختلالات شخصیت در بروز جرم را پررنگ‌تر می‌کند، آن است که در جوامع مختلف افرادی با سن کم، بیکار و تحصیلات پایین هستند که هرگز مرتکب جرم نشده‌اند (صادقی، ۱۳۹۳) و این نشان می‌دهد که یکی از عواملی که می‌تواند مؤثر در گرایش یک فرد به سمت ارتکاب جرم باشد، اختلالات شخصیت است.

در تبیین نتایج این پژوهش می‌توان گفت ویژگی و خصلت‌های ذاتی افراد به مرور زمان و در اثر ارتکاب جرم، جنبه افراطی پیدا کرده و بالطبع منجر به بروز اعمال نابهنجار و غیرعقلانی می‌شود که پس از آن فرد به عنوان مجرم در برابر قانون قرار می‌گیرد. این موضوع که برخی افراد میل غیرقابل کنترلی به ارتکاب جرم دارند، به واسطه ویژگی‌های خاص درونی

و ذاتی آنها در اصطلاح تحت عنوان بیمار شناسایی می‌شوند و بیمار بودن مجرمین از لحاظ روانی و عصبی، اصلاح و درمان آنها و کاهش مجازات آنها در مقایسه با سایر افراد جامعه، از مسایل مهم و حائز اهمیتی است که با پیشرفت علم روان‌پزشکی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

پذیرش یک ارتباط غیرقابل انکار میان جرم و اختلال شخصیتی اصولاً بر این فرض استوار است که یک بیمار روانی نمی‌تواند تابع قوانین اجتماعی باشد، اما ممکن است زمانی بتوانیم بین مجرمیت یا مجنون بودن فرد قائل به تفکیک شویم که این فرد آگاهانه نتوانسته اعمال خود را مهار کند و بالقوه مستعد ارتکاب هر عمل مجرمانه‌ای است و آن فرد قابلیت تشخیص درست یا نادرست بودن عمل خود را نداشته باشد و ضوابط رفتاری معین در جامعه برای او قابل درک نباشد. به همین سبب است که بررسی نسبت‌های متفاوت نقصان عقل از لحاظ درجاتی که دارد می‌باید با ترکیب نظر مقنن و متخصصین امر روان‌پزشکی و روان‌شناسی انجام پذیرد؛ چرا که اصولاً نمی‌توان نقصان عقل را در تمام درجات آن رافع مسئولیت جزایی دانست. علاوه بر اینکه، برخی از درجات این نقصان، اختلال شخصیت ضداجتماعی است که با وجود ناسازگاری شدید در فرد مبتلا، نمی‌توان این اختلال، را قرینه عدم مجرمیت مرتکب دانسته و وی را از مسئولیت کیفری مبرا کرد، بلکه فرد مرتکب با داشتن اختلال شخصیت ضد اجتماعی مجرم است نه مجنون؛ بر این اساس، بین اختلالات شخصیت ضد اجتماعی با رفتارهای بزهکارانه رابطه‌هایی وجود دارد و مسئولیت جزایی این افراد مورد تردید نیست، زیرا اگرچه تعارضات روانی آنها باعث می‌شود راحت‌تر مرتکب جرم شوند، ولی این اختلالات که منجر به بروز تعارض می‌شود آن قدر نیست که ارتباط فرد را با دنیای خارج قطع کرده و فاقد قدرت اراده و تمییز گردد.

محدودیت‌ها و پیشنهادها: از محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که در مباحث فقهی نتوانست نظر فقهای معاصر را در حوزه اختلالات شخصیت و ابواب مختلف فقهی بررسی نماید. همچنین، در جمع‌آوری داده‌ها امکان دسترسی به همه زندانیان ممکن نبود و از سویی مسئولین همکاری لازم را نداشتند. از این رو، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی جرم و اختلالات شخصیت بر اساس دیدگاه فقهای معاصر به صورت تفصیلی و با روش اجتهادی بررسی گردد. همچنین، پیشنهاد می‌شود رابطه میان جرم و اختلالات شخصیت با جامعه آماری وسیع‌تر و در زندانیان با انواع جرائم انجام شود.

منابع

- اتکینسون، ریتا؛ اتکینسون، ریچارد؛ اسمیت، ادوارد؛ بېم، داریل و هوکسما، سوزان نولن (۱۳۸۵)، *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*، ترجمه محمد نقی براهنی و همکاران، تهران: انتشارات رشد.
- احمدی، علی اصغر (۱۳۷۴)، *روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلام*، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- الهام، غلامحسین (۱۳۷۲)، *مبانی فقهی و حقوقی تعدد جرم*، تهران: نشر بشری.
- انجمن روان پزشکی آمریکا (۱۳۹۴)، *چکیده ملاک‌های تشخیصی DSM-5*، ترجمه فرزین رضایی و دیگران، تهران: ارجمند.
- آذربادگان، حسینعلی (۱۳۸۰)، «طبقه‌بندی بیماران روانی و احکام آنان از دیدگاه محقق نراقی»، *مجله فقه*، شماره ۲۹.
- پارسا، محمد (۱۳۷۴)، *زمینه روان‌شناسی*، تهران: انتشارات بعثت.
- جزایری، علیرضا؛ جعفری زاده، ذبیح اله و پورشهباز، عباس (۱۳۸۲)، «بررسی و مقایسه ارتباط بین مؤلفه‌های شخصیتی و راهبردهای مقابله در معتادان به تریاک ۳۰-۳۶ ساله»، *مجله اعتیاد پژوهی*، ش ۲، ص ۳-۱۸.
- جعفرمحمدی، شیما و کیانی، مهرزاد (۱۳۹۴)، «بررسی مسئولیت کیفری مبتلایان به اختلال شخصیت مرزی در نظام حقوقی ایران»، *فصلنامه علمی تحقیقات حقوقی آزاد*، دوره ۸، شماره ۲۹، ص ۱-۲۳.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۸۷)، *معجم الصحاح: قاموس عربی - عربی*، بیروت: دارالمعرفه.
- حاجی می‌رسعیدی، سید ساعی، حاجی می‌رسعیدی، سید ابراهیم (۱۳۹۸)، «بررسی و تحلیل کیفری جرم و شخصیت در نظریه‌های انسان‌شناسی جنایی»، *فصلنامه علمی - حقوقی قانون یار*، دوره ۳، شماره ۱۱.
- حبیب زاده، محمدجعفر (۱۳۹۸)، *اندیشه‌های حقوقی ۱ - مجموعه مقالات حقوقی کیفری اختصاصی*، تهران: نگاه بینه.
- حسینعلی زاده، جوانشیر و خیری، حسن (۱۳۹۸)، «بازشناسی پرونده شخصیت در جرم‌شناسی بالینی بر مبنای تبیین سلامت روان از دیدگاه نظریه پردازان»، *پنجمین همایش ملی حقوق*.
- حسینی، ابوالقاسم (۱۳۹۶)، *بررسی مقدماتی اصول روان‌شناسی*، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی.
- حوصله پور، محمود؛ میرخلیلی، سید محمود و محمدی، علی (۱۳۹۳)، «بررسی مفهوم جرم و مجرم و مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم از منظر قرآن و روایات»، *کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی*.
- خدابخش، روشنگ (۱۳۹۱)، «مقایسه میزان شیوع اختلالات شخصیت در مردان و زنان به وسیله نمرات خام تعدیل شده آزمون میلون III»، *فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*، سال هفتم، شماره ۲۲.
- دیناری، قباد (۱۳۹۷)، *جرائم کیفری و اختلالات روانی*، تهران: نشر عدالت امین.

- رحیمی احمدآبادی، سمیه؛ عطاران، حمید و فتوت، اکرم (۱۳۹۹)، «بررسی رابطه اختلالات شخصیت و بهره هوشی در مجرمین قتل عمد ارجاع شده به سازمان پزشکی قانونی خراسان رضوی در سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۷».
- ستوده، هدایت اله و میرزایی، بهشته (۱۳۹۵)، *روان‌شناسی جنایی ۱۳۹۵*، تهران: انتشارات آوای نور.
- سلیمانی خراط، فروغ (۱۳۹۶)، «ارتباط بین شخصیت و جرم از دیدگاه فقه، حقوق و روان‌شناسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی ادیب مازندران.
- شریفی، علی (۱۳۹۶)، *راهنمای ام. سی. ام. آی (میلون ۳)*، چاپ چهارم، تهران: نشر روان سنجی.
- شریفی، علی اکبر (۱۳۸۱)، «هنجارهایی آزمون بالینی چند محوری میلیون-۳ در شهر اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه اصفهان.
- صادق زاده، ابراهیم (۱۳۹۸)، «بررسی مغایرت مقررات و احکام دادگاه‌های ویژه اطفال با پیشنهادات جرم شناختی بالینی»، *فصلنامه الکترونیکی پژوهش‌های حقوقی قانون یار*، دوره ۲، شماره ۶.
- صادقی، احمد و دیده دار، مریم (۱۳۹۳)، «بررسی اختلالات شخصیت و تکرار جرم در زندانیان»، *کنفرانس آسیب‌شناسی، ریشه‌یابی و ترمیم در روان‌شناسی*.
- علی پور، مهدی و حسنی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، *پارادایم‌های اجتهادی دانش دینی-پاد*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فتحعلی زاده، راضیه و احمدی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۸)، «تکالیف بیماران روانی از دیدگاه فقه فریقین و عرفان اسلامی».
- قاسمی، نظام الدین؛ جاویدمهر، زهره؛ مهرآورن، رقیه و حسنی، جعفر (۱۳۹۸)، «مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و مؤلفه‌های شناختی تنظیم هیجان در زنان مجرم و زنان عادی»، *نشریه علمی انتظام اجتماعی*، سال ۱۱، شماره ۲.
- قاسمی، وحید و برندگی، بدری (۱۳۹۰)، «بررسی جامعه شناختی شخصیت قدرت طلب: مطالعه موردی»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۲، ش ۳، ص ۲۳-۴۰.
- کرباسی، محمد مهدی (۱۳۸۱)، «ماهیت جرم در فقه و قانون جزا»، *مجله معرفت*، شماره ۵۸، ص ۶۸-۷۲.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۹)، *روان‌شناسی شخصیت*، تهران: انتشارات نشر.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۳)، *روان‌شناسی جنایی*، چاپ دایره سفید- انتشارات رشد ج ۱ و ۲، چاپ چهارم.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۲)، *مقالات حقوقی*، تهران: دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۵)، *بایسته‌های حقوق جزا*، تهران: انتشارات میزان.
- محمد خانی، عباس (۱۳۹۵)، *عوامل روانی جرم*، تهران: انتشارات میزان.

- مختاری، یوسف (۱۳۸۴)، «رابطه اختلالات شخصیت با جرم»، *مجله دانش پژوهان*، شماره ۷.
- نجفی ابرندآبادی، حسین (۱۳۹۴)، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، تهران: سمت.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۷۵)، *عوائد الایام*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- هدایتی، فرخ (۱۳۸۵)، «شناخت شخصیت مجرمانه و راه‌های درمان آن»، *فصلنامه دادرسی*، ش ۵۷، ص ۴۳-۴۷.
- Ames, D. R. , Rose, P. , Anderson, C. P. (2006). The NPI-16 as a short measure of narcissism. *Journal of Research in Personality*; 40, P 440-450.
- Ashouri & Azimzadeh (2013), Position of personality profile in the process of prevention of stabilization of criminality in juveniles, *Private law studies*, 43(1), P 195- 213.
- Badri, Ali (2016), Juvenile Criminal Proceedings in Iranian Law, *Fasl Nameh Elmi Hoghoughi Ghanoon Yar*, 4(13), P 53-70
- Choca, J. P. , Vandenberg, E. , Stanley, L. A. (1997), *Interpretive guide to Millon Clinical Multiaxial Inventory*, Washington DC: APA
- Fotiadoua, M. , Livaditisb, M. , Manouc, L. , Kaniotoud, E. , Xenitidise, K. (2006), Prevalence of mental disorders and deliberate self-harm in Greek male prisoners, *International Journal of Law and Psychiatry*, 29, 1, P 68-73.